



جایگاه ولایت در ادعیه و زیارات عید غدیر



سید محمد حسینی^۱

چکیده: داستان نصب حضرت علی (ع) به مقام ولایت در غدیر خم، از داستان های مهم تاریخ اسلام به شمار می آید، شاید داستانی با اهمیت تر از این واقعه نداشته باشیم چرا که این واقعه بیانگر بقای رسالت پیامبر اکرم (ص) و دوام دوره الهی آن حضرت در تجلی گاه وجود مبارک علی (ع) بوده است. در لسان ادعیه و زیارات نیز به جایگاه والای امامت و ولایت وارد شده است. در این نوشتار بر آن شدیم تا به بررسی محتوایی برخی از فرازهای زیارات و دعاهای این روز بپردازیم.

کلیدواژه: غدیر، ادعیه، زیارت، امامت، ولایت، علی (ع).

۱. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، طلبه پایه دهم حوزه علمیه شهر مقدس قم.





تعریف امام و امامت

امامت در لغت به معنای پیشوایی و رهبری است و هر کسی که متصدی رهبری گروهی شود "امام" نامیده می شود خواه در راه حق باشد یا در راه باطل، خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن، حق باشد یا باطل؛ جمع امامت، ائمه است؛^۱ قرآن پیشوایان را به دو دسته تقسیم می کند، پیشوایان حق و پیشوایان باطل، مثل «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»^۲؛ «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»^۳. در قرآن کریم واژه «ائمه الکفر» درباره سران کفار بکار رفته است. صاحب قاموس گفته است: امام آنست که از وی پیروی شود رئیس باشد یا غیر آن، ریسمانی که بنا به دیوار می کشد تا راست بنا کند، راه، متولی امر، قرآن، پیغمبر، خلیفه، فرمانده، و آنچه بچه هر روز یاد می گیرد، و نمونه ای که از روی آن نظیر آنرا می سازند و.... . ناگفته نماند معنی جامع، همان مقتدا بودن است، ریسمانی که بنا از آن پیروی می کند و طبق آن بنا می کند، راهی که انسان در امتداد آن قدم بر می دارد، کتابی که می خواند همه امام و پیشوا و مقتدایند.^۴

مقام امامت یعنی رهبری و پیشوایی مردم، و «امام» کسی است که با تشکیل حکومت الهی و به دست آوردن قدرتهای لازم در جهت پیاده نمودن احکام خداوند سعی و تلاش می نماید، و به عبارت دیگر وظیفه امام اجرای دستورات خداست در حالی که وظیفه رسول ابلاغ و رسانیدن این احکام است.^۵

۱. «الإمام: من يأتى به الناس من رئيس، أو غيره، محققاً كان أو مبطلاً. ومنه: إمام الصلاة. (ج) أئمة»: سعدى أبو جيب، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحاً: ص: ۲۴؛ «الإمام من يؤتم به: أي يقتدى به، سواء كان إنساناً يقتدى بقوله أو بفعله، أو كتاباً، أو كلاهما محققاً أو مبطلاً»: محمود عبد الرحمان، معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية: ج ۱، ص: ۲۸۱؛ للإمام: كل من اقتدى به وقدم فى الأمور. و النبى ﷺ إمام الأئمة، و الخليفة إمام الرعية، و القرآن إمام المسلمين.»: أبو الحسين، احمد بن فارس بن زكريا، معجم مقانيس اللغة، ج ۱، ص: ۲۸

۲. سوره انبياء: ۷۳.

۳. سوره قصص: ۴۱.

۴. قاموس قرآن؛ ج ۱، ص: ۱۲۰ - ۱۲۱

۵. منتظرى نجف آبادى، حسين على، معارف و احكام نوجوانان، ص: ۵۰ - ۵۱





شیعیان معتقدند که امامت، منصبی است الهی که از طرف خدای متعال به کسانی که صلاحیت آن را دارند داده شده و خدای متعال بوسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این کار را انجام داده و امیر مؤمنان علی علیه السلام را جانشین بلا فصل وی قرار داده و سپس یازده نفر از فرزندان او را یکی پس از دیگری برای تصدی مقام امامت تعیین و نصب فرموده است و پیروی از ایشان را بر همه انسانها واجب نموده است.^۱

«امامت» معنا و مفهوم رهبری و راهنمایی را می‌دهد و اثر چنین مقامی حجیت گفتار و کردار و افکار او نسبت به عموم امت است که در پیشگاه خدای بزرگ، مورد قبول واقع خواهد شد. بنابراین، فرق میان «ولایت امر» که به معنای سلطه زعامت و ریاست است با «ولایت امامت» که به معنای مقام پیشوایی و لزوم پیروی از او و حجیت قول و فعل اوست روشن است و تعبیر به «ولایت» به لحاظ این است که امامت، نوعی سلطه بر اعمال و افکار مردم می‌باشد و آن را تحت نفوذ و تبعیت خود در می‌آورد.^۲

یکی از مراحل ولایت تشریعی پیامبران و امامان معصوم «ولایت امامت» است که به معنای پیشوایی دینی و رهبری معنوی می‌باشد و از مقام «زعامت» که به معنای حکومت و رهبری سیاسی است، والاتر می‌باشد، از همین رو پس از آزمایشهای فراوان، مقام امامت به حضرت ابراهیم علیه السلام داده شد: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا....»^۳ «به یادآور هنگامی که خداوند ابراهیم را به اموری امتحان فرمود و او همه را به جای آورد، خدا به او گفت: من تو را به پیشوایی خلق برگزیدم». و در همین زمینه درباره عموم پیامبران آل ابراهیم می‌فرماید: «وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا....»^۴

۱. «الإمام: هو المقتدى أو القدوة. ويراد به في فقهننا: الإمام المعصوم المفترض الطاعة من قبل الله عز وجل وهو أحد الأئمة المعصومين الاثني عشر. ويقول الفلاسفة والعرفون: إن للإمامة مرتبة أعلى من النبوة. ومن هنا أعطيت لإبراهيم عليه السلام بعد أن أعطي النبوة والرسالة. قال تعالى: إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا.» ما وراء الفقه: ج ۸، ص: ۴۹۱.

۲. حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، ص: ۱۹۲.

۳. سوره بقره: ۱۲۴.

۴. سوره انبیاء: ۷۳.





«آنان (انبیای آل ابراهیم) را پیشوایان مردم ساختیم تا خلق را به امر ما هدایت کنند».^۱ در آیه «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۲ مراد از امام، ابراهیم علیه السلام است و از «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» اینگونه برداشت می شود که امامی که خدا از او راضی است و امامی که امامت او را خدا می دهد از ستمکاران برگزیده نمی شود «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ».

اگر گویند: کسی که ظالم و ستمگر بود ولی توبه کرد و نیکوکار شد، یا کافر و مشرک بود و ایمان آورد چه مانعی دارد که چنین کسی از جانب خدا امام باشد؟ گوئیم: وجدان و فطرت حکم می کند که چنین کسی هم امام نباشد و خدا او را برای اینکار انتخاب نکند، درست است توبه و ایمان بسیاری از کارها را جبران میکند، ولی باز وجدان حکم میکند که خداوند فقط پاکان مطلق را برای اینکار انتخاب می کند نه آنانکه در گذشته ستمگر و مسلوب الاطمینان بوده و الآن توبه کرده اند و یا مشرک بوده و ایمان آورده اند؛^۳

شکی نیست که رسالت امامان معصوم علیهم السلام، که منصب الهی امامت جامعه را بر عهده دارند، نجات جامعه بشری از ورطه جهل و خرافات، و انحراف از مبانی دینی و اخلاقی و هدایت آن به سوی کمال واقعی انسانی و سعادت اخروی است. این مهم زمانی تحقق عینی می یابد که پیشوایان حقیقی جامعه، سردمدار امور و در یک کلام، در صدر کار باشند تا در سایه این حاکمیت و زعامت، بتوانند به تبیین و تفسیر فرهنگ و اندیشه اصیل اسلامی بپردازند.

با توجه به اوضاع اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی و وضعیت شیعیان در عصر امامان، اعمال جنایتکارانه حکام زورگو، موجی از ترس و وحشت را بر جامعه اسلامی، بویژه شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام، حاکم می ساخت و همین اختناق و خفقان موجب می شد تا

۱. حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه؛ ص: ۱۹۱.

۲. سوره بقره: ۱۲۴.

۳. قاموس قرآن، ج ۱، ص: ۱۲۲.





مردم نتوانند از معارف الهی حضرات معصومین علیهم السلام استفاده نمایند و از انوار تعالیم قدسیه شان روشنایی و بهره بگیرند و در طریق خداشناسی از گردنه های سخت به راحتی عبور نمایند.

امامان معصوم دست از رسالت خویش در عصرهای گوناگون برنداشتند و به حکم آگاهی به تمام روش های بیانی و کلامی، بهترین وسیله را برای نیل به اهداف عالی خود و نجات انسان ها از فرورفتن در منجلاب جهل و گمراهی به کار گرفتند. مردم را در برابر اعمال جباران ستمگر که از راه حق منصرف گشته، اصرار بر نابودی دین خدا ورزیده، آثار و احکام نبوت را به بازی گرفته بودند، آگاه می کردند. این شیوه بیان در قالب «دعا و مناجات» متجلی گشت که بی شک حتی از جهاد با شمشیر و نبرد با سلاح گرم، مهم تر و مؤثرتر بود؛ چرا که امامان با این سبک بیان، تمام اندیشه ها را به خود جلب می نمودند و می توانستند سد محکمی در مقابل سیل ویرانگر اعمال ستمگرانی که به ناحق بر گرده مردم سوار شده بودند قرار دهند.

همانطور که می دانیم دعا پیوندی معنوی میان انسان و پروردگار است که اثر تربیتی و سازندگی مهمی در روح انسان دارد. از این رو از دیدگاه اسلامی، از جایگاه خاصی برخوردار است.

بررسی کتب حدیثی این را می رساند که پیرامون واقعه غدیر خم و روز عید بزرگ غدیر، دعاها و بسیاری وارد شده است که سید بن طاووس در کتاب «اقبال الاعمال» به بیان آن پرداخته است. بررسی معانی و مفاهیم این دعاها پرده از بسیاری از معارف در مورد خداشناسی، نبوت و ولایت امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام بر می دارد که در این نوشتار به اختصار برخی را بیان می نماییم:

۱- توحید و خداشناسی:

ادعیه روز عید غدیر خم، بالاترین معارف توحیدی را در قالب دعا به انسان های





حقیقت جو و پیروان خویش ارائه می دهد و در آن، ذات مقدس الهی را از هر گونه تشبیه به مخلوقات و هر نوع عیب و نقصی پاک و مبرا می سازد. نمونه هایی از این بیانات چنین است. امام صادق علیه السلام در دعای روز عید غدیر خویش اینگونه با ذات اقدس الهی مناجات می کند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ الَّذِي لَيْسَ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ مَعْبُودٌ يُعْبَدُ سِوَاكَ إِلَّا بَاطِلٌ مُضْمَجِلٌ غَيْرُ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ غُلُوًّا كَبِيراً^۱

«خداوندا! من تو را گواه می گیرم و تو برای گواهی کافی هستی و نیز فرشتگان و حاملان عرش و ساکنان آسمان ها و زمین را گواهی می گیرم مبنی بر این که تو معبودی هستی که از عرش تا زمین جز روی [ذات] تو پرستیده نشده است مگر آن که باطل و نابود است. معبودی جز تو نیست و هیچ کس جز تو پرستیده نمی شود و از آنچه ستمگران درباره تو می گویند بسیار برتری...»

و در دعای دیگری می فرماید:

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ... شُبْحَانَكَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ إِلَهَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَإِلَهَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فِيهِمَا غَيْرُكَ جَبَّارٌ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ مَلِكٌ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا مَلِكَ فِيهِمَا غَيْرُكَ...^۲

«خداوندا... ای پروردگار زمین و آسمان ها... پاکی تو ای فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ، ای معبود آنان که در آسمانهای هفتگانه اند و معبود آنانکه در زمین

۱. إقبال الأعمال (ط - القديمة): ج ۱، ص: ۴۷۶-۴۷۷.

۲. إقبال الأعمال (ط - القديمة): ج ۱؛ ص ۴۸۱.





هستند که معبودی جز تو در آن دو نیست و ای شکوهمند چیره بر همه آسمانیان و زمینیان که شکوهمندی جز تو در آن نیست و ای فرمانروای آنان که در آسمان ها و زمین هستند که فرمانروایی جز تو در آن دو نیست ...»

در ادامه دعا صفات خداوند همچون عظیم، قدیم، حی، احد، صد، فرد، وتر، رحمان و رحیم و ... را برمی شمارد و خداوند را به بزرگی یاد می کند.

۲- نبوت و امامت:

علاوه بر صلوات بر محمد و آل محمد که در میانه و انتهای ادعیه آمده است، تصدیق به نبوت و امامت را در کنار اعتراف به وحدانیت خدا تلقی می کنند و مقام و منزلت پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام را وسیله تقرب قرار می دهند. به عنوان مثال:

.... شَهِدْنَا بِمَنِّكَ يَا نَبِيَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّنَا وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولَكَ نَبِيُّنَا وَأَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّنَا وَمَوْلَانَا...^۱

«گواهی می دهیم که معبودی جز تو نیست و تو پروردگار مایی و حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده تو، پیامبر ماست و حضرت علی علیه السلام، امیر مؤمنان، سرپرست و مولای ماست.»

در جای دیگر آمده است:

.... رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَنِّي ذُنُوبِي كُلَّهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۲

«پروردگارا بر محمد و آل محمد درود فرست و همه گناهان مرا ببامرز به رحمت ای مهربان ترین مهربانان»

و یا اینکه در جایی دیگر بعد از صلوات بر محمد و آل محمد به بیان دعاها و گوناگون دنیوی و اخروی پرداخته است و می فرماید:

۱. إقبال الأعمال (ط - القديمة): ج ۱؛ ص ۴۷۹.

۲. إقبال الأعمال (ط - القديمة): ج ۱؛ ص ۴۸۲.





اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ
... اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَالْمُؤْمِنِينَ [وَالْمُؤْمِنَاتِ] ... اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ
لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ ... اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لَنَا أَيْمَانَنَا وَقُضَاتَنَا وَوَلَاةَ أُمُورِنَا وَجَمَاعَتَنَا وَ
دِينَنَا الَّذِي ارْتَضَيْتَ لَنَا اللَّهُمَّ أَعِزَّ الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَأَذِلَّ الشِّرْكَ وَأَهْلَهُ^۱

« خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و بر محمد و آل محمد مبارک گردان ...
خداوندا، من ، پدر ، مادر و تمامی فرزندان آن دو و همه مردان و زنان مومن و مسلمان را ...
بیمارم در کار ما اصلاح کن و ... اسلام را عزت بخش و ... »
..... فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُصَلِّحَ لِي
أَحْوَالَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.....^۲

«.....از تو خواهانم به حق محمد و آل محمد، بر محمد و آل محمد درود فرستی و همه
حالات دنیا و آخرتم را سامان ببخش.....»

۳- بیان واقعه غدیر خم

یکی دیگر از جلوه های زیبایی ادعیه روز غدیر بیان واقعه غدیر در آن است.
..... رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا الْبَيِّنَاتِ وَ صَدَقْنَا الْمُنَادِيَّ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذْ نَادَى نِدَاءً
عَنْكَ بِالَّذِي أَمَرْتَهُ أَنْ يُبَلِّغَ عَنْكَ مَا أَنْزَلْتَ إِلَيْهِ مِنْ مَوْالَةٍ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ حَدَّثْتَهُ وَ أَنْذَرْتَهُ إِنَّ
لَمْ يُبَلِّغْ أَنْ تَسَخَطَ عَلَيْهِ وَ أَنَّهُ إِذَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ [رِسَالَتِكَ] عَصَمْتَهُ مِنَ النَّاسِ فَنَادَى مُبَلِّغاً
وَ خَيْكَ وَ رِسَالَتِكَ أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَعَلِيٌّ وَلِيُّهُ وَ مَنْ كُنْتُ نَبِيَّهُ
فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ^۳ ...

«پروردگارا ! ندا را شنیدیم و به ندا در دهنده، یعنی رسولت- درود خدا بر او و خاندان او-

۱. إقبال الأعمال (ط - القديمة) : ج ۱ ؛ ص ۴۸۶.

۲. إقبال الأعمال (ط - القديمة) : ج ۱ ؛ ص ۴۹۲.

۳. إقبال الأعمال (ط - القديمة) : ج ۱ ؛ ص ۴۷۷.





آنگاه که براساس دستور تو ندا در داد ولایت ولی مؤمنان را - که براو نازل کرده بودی و او را پرهیز و بیم داده بودی که در صورت عدم تبلیغ آن، براو خشم خواهی گرفت و در صورت تبلیغ پیام هایت او را از گزند مردم نگاه خواهی داشت - به ما رسانید و به این صورت ندا در داد و وحی و پیام های تو را به اطلاع ما رسانید که هان! هرکس من مولای اویم، علی مولای اوست و هرکس من سرپرست اویم، علی سرپرست اوست و هرکس من فرمانروای اویم علی فرمانروای اوست.»

در این دعا علاوه بر بیان مختصر این واقعه مهم تاریخی، معنا و مفهوم «ولی» را بیان می دارد که معنای ولایت چیزی غیر از صرف دوست داشتن است؛ و منظور پیامبر گرامی اسلام از بیان ولی، واگذاری ولایت و سرپرستی جامعه به حضرت علی (ع) بوده است.

ائمه در ادعیه روز غدیر علاوه بر اینکه آیات اکمال دین را برای بیان واقعه غدیر خم به کار برده اند برای وضوح این واقعه و مفهوم ولایت و جایگاه والای آن، به آیه ی اخذ میثاق از تمامی موجودات تمسک نموده و بیان نموده اند که ولایت علی ابن ابیطالب (ع) همان میثاق پروردگار است که در عالم ذر از انسان گرفته شده بود و آدمی به آن پاسخ بلی داده بود ولی در زمین و در جهان مادی آن را به فراموشی سپرده بود تا اینکه پیامبر اسلام این عهد و میثاق را دوباره یادآور شدند و در ماجرای غدیر، انسان را به سوی فطرت اولیه خود که همان پذیرش ولایت الهی است سوق داد.

...وَمَنْنْتَ بِشَهَادَةِ الْإِخْلَاصِ لَكَ بِوَلَايَةِ أَوْلِيَائِكَ الْهُدَاةِ مِنْ بَعْدِ التَّذِيرِ الْمُنْذِرِ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ
وَأَكْمَلْتَ لَنَا الدِّينَ بِمُؤَالَاتِهِمْ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْنَا النِّعَمَ بِالَّذِي جَدَّدْتَ لَنَا
عَهْدَكَ وَذَكَّرْتَنَا مِيثَاقَكَ الْمَأْخُودَ مِنَّا فِي ابْتِدَاءِ [مُبْتَدَأِ] خَلْقِكَ إِيَّانَا وَجَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ وَ
ذَكَّرْتَنَا الْعَهْدَ وَالْمِيثَاقَ وَلَمْ تُنْسِنَا ذِكْرَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ
ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى.....^۱

۱. إقبال الأعمال (ط - القديمة) : ج ۱ ؛ ص: ۴۷۸-۴۷۹.





«.....و با پذیرش ولایت دوستان هدایت گرت بعد از پیامبر که بیم دهنده و اعلام کننده و چراغ فروزان بود، اقرار و گواهی خالصانه خود را بر ما منت نهادی و با دوستی آنان در بیزاری از دشمنانشان، دین ما را کامل گردانیدی و با تجدید عهد آنان، نعمت هایت را بر ما تمام نمودی و پیمان گرفته شده در آغاز آفرینش ما را به یادمان آوردی و از پاسخ مثبت دهندگان به آن قرار دادی و آن عهد و میثاق را به یاد ما آوردی و کاری نکردی که یادت را فراموش کنیم؛ زیرا خود فرموده ای : و آنان را به یاد آر که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، نسل او را برگرفت و آنان را بر خودشان گواه گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم؟! و آنان گفتند : بلی.....».

و یا در فرازی از زیارتی که به سندهای معتبره از حضرت امام هادی علیه السلام نقل شده، آمده است که :

....ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أُولَاكَ لِأُمَّتِهِ إِغْلَاءَ لِسَانِكَ وَإِعْلَانًا لِبُرْهَانِكَ وَ دَخَضًا لِلْبَاطِلِ وَقَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ؛ فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ وَ اتَّقَى فِيكَ الْمُتَافِقِينَ أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ؛ فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمَسِيرِ وَ نَهَضَ فِي رَمَضَاءِ الْهَجِيرِ فَخَطَبَ وَ أَسْمَعَ وَ نَادَى فَأَبْلَغَ؛ ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعَ فَقَالَ هَلْ بَلَّغْتُ فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَى فَقَالَ اللَّهُمَّ أَشْهَدُ ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُ أَوَّلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا بَلَى فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَ قَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ فَمَا آمَنَ بِمَا أُنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ وَ لَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ وَ لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَ هُمْ كَارِهُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ...

یکی دیگر از جلوه های وارده در این دعاها بیان ویژگی های امیرالمؤمنین به کمک





آیات وارده پیرامون شخصیت ایشان در قرآن کریم است. به عنوان مثال آیاتی چون: وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ^۱؛ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ^۲؛ وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ^۳؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ^۴؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ^۵

در این ادعیه ذکر گردیده اند.

۴- تولی و تبری

همانگونه که در مفهوم امامت بیان شد؛ در برابر ائمه ایمان (ائمه الهی)، ائمه کفر قرار دارند که در قرآن کریم نیز بدان اشاره شده و به قتال با آنان دستور داده است: «... فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أِيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يُنتَهُوْنَ...»؛ «با پیشوایان کفر (و ضلالت) کارزار کنید؛ زیرا عهد و پیمان آنان را اعتباری نیست تا بس کنند».^۶

بدون تردید هیچیک از تولی و تبری بدون دیگری کفایت نمی کند؛ نه با تولی محض می توان به سعادت رسید و نه با تبری تنها می توان از شقاوت رهید. اسماعیل جعفری به امام باقر (ع) عرض کرد: شخصی محبت امیرالمؤمنین (ع) را در دل دارد، لیکن از دشمنی او تبری نمی جوید و می گوید: علی (ع) نزد من محبوب تر است. امام باقر (ع) فرمود: چنین کسی پریشان حال و آشفته خاطر است و دشمن محسوب می شود، پشت سر او نماز نگذار، او کرامت و ارزشی ندارد، مگر اینکه از او بترسی و مجبور به تقیّه باشی^۷.

۱. سوره زخرف: ۴.

۲. سوره تکوین: ۸.

۳. سوره صافات: ۲۴.

۴. سوره نساء: ۵۹.

۵. سوره توبه: ۱۱۹.

۶. سوره توبه: ۳.

۷. وسائل، ج ۸، ص ۳۰۹.





در بیان دیگری که از امام صادق (ع) رسیده، تبری را نشانه صداقت در محبت دانسته، فرمودند: کسی که ادعای دوستی و محبت ما را دارد و از دشمنان ما برائت نمی جوید، در اظهار دوستی ما صادق نیست، بلکه دروغ می گوید.^۱

ادعیه روز غدیر هم تجلی گاه تولی و تبری است.

...اللَّهُمَّ قَدْ قَبِلْنَا أَمْرَكَ وَ نَهْيَكَ [وَسَمِعْنَا] وَ أَطَعْنَا لِنَبِيِّكَ وَ سَلَّمْنَا وَ رَضِينَا فَتَحْنُ مَوَالِي عَلِيٍّ وَ أَوْلِيَائِهِ كَمَا أَمَرْتَ نُوَالِيهِ وَ نُعَادِي مَنْ يُعَادِيهِ وَ نَبْرَأُ مِمَّنْ يَبْرَأُ مِنْهُ وَ نُبْغِضُ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ نَحِبُّ مَنْ أَحَبَّهُ...^۲

« خدایا امر و نهی تو را پذیرفتیم و به فرمان تو گوش سپردیم و از پیامبرت اطاعت و تسلیم اویسیم و از او خشنودیم و همانگونه که دستور دادی، موالی و دوستداران علی علیه السلام هستیم، با دوستان او دوست و با دشمنان او دشمن هستیم و از هر کس که از او بیزاری جوید بیزاری می جوئیم و هر کس کینه او را داشته باشد، کینه او را در دل می پروریم و دوستداران او را دوست داریم»

حضرات ائمه (ع) همچنین در چندین فراز از دعاهای خویش، جامعه اسلامی را به اعتقاد و عمل به این مسأله فرا می خوانند و چنین بیان می دارند که:

اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَا حِدِينَ الْمُعَانِدِينَ لِمُحَالِفِينَ لِأَمْرِكَ وَ أَمْرِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .
اللَّهُمَّ الْعَنِ الْمُبْغِضِينَ لَهُمْ لَعْنًا كَثِيرًا لَا يَنْقُطُ أَوَّلُهُ وَ لَا يَنْفَدُ آخِرُهُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَبَتُّنَا عَلَى مَوَالَتِكَ وَ مَوَالَاةِ رَسُولِكَ وَ آلِ رَسُولِكَ وَ مَوَالَاةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ^۳

« خدایا کسانی که فرمان تو و فرمان رسولت - که درود خدا بر او و خاندان او باد - را انکار

۱. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۵۸.

۲. إقبال الأعمال (ط - القديمة) : ج ۱ ؛ ص ۴۷۵.

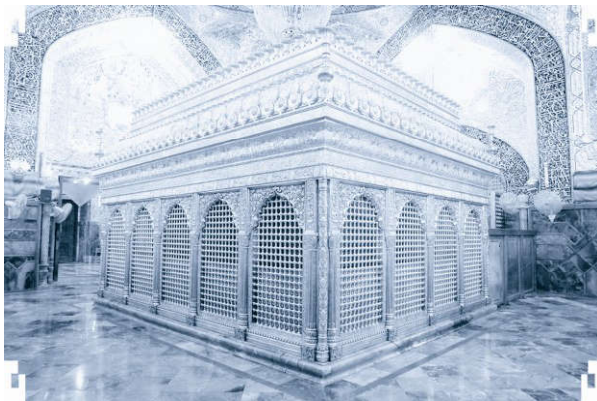
۳. إقبال الأعمال (ط - القديمة) : ج ۱ ؛ ص ۴۷۵.





کرده و با آن ستیزه و مخالفت نمودند، لعنت کن. خدایا کسانی را که با آنان دشمنی ورزیدند، بسیار لعنت کن، لعنتی که آغاز آن نگسلد و تا آخر آن پایان نپذیرد. خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را بر دوستی خود و دوستی رسول و خاندان رسولت و دوستی امیرمومنان - درود های خدا بر آنان - استوار بدارد.»

۵- بیان صفات حضرت علی علیه السلام



در بحار الانوار علامه مجلسی رحمته الله علیه زیارتی مخصوص این روز ارائه گردیده^۱ که در آن امیر مؤمنان علی علیه السلام را دین قویم و صراط مستقیم خطاب نموده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ الْقَوِيمِ وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ...».

در روایات «صراط مستقیم» به وجود مقدس حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام تفسیر شده است؛ ازجمله اینکه حماد بن عیسی در تأویل آیه «اهدنا الصراط المستقیم» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که مراد امیرالمؤمنین و شناختن اوست و دلیل بر اینکه صراط مستقیم امیرالمؤمنین است؛ قول خداوند است: «وَأَنَّهُ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لَدِينَا لَعَلِّي الْحَكِيمِ» و منظور آن امیرالمؤمنین است که در ام الكتاب (سوره حمد) در آیه «اهدنا الصراط المستقیم» مذکور شده است.^۲

بزرگان دین نیز در تبیین این مطلب اینگونه بیان نموده اند که: صراط مستقیم یکی



۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۹۷؛ ص ۳۶۰.

۲. تفسیرالقمی، ج ۱، ص ۲۸؛ معانی الاخبار، ص ۳۲، بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۲.





است و دو تا شدنش محال است. از طرف دیگر، صراط مستقیم بین عبد و رب، ولایت علی ابن ابی طالب است. در نتیجه اگر این امر از بین برود، رابطه بین خلق و رب قطع می شود و وقتی قطع شد غرض از خلقت باطل می گردد و ثمره بعثت زائل می گردد و نبوت انبیا از آدم تا خاتم به باد فنا می رود. به همین دلیل است که خدای متعال فرمودند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ...»^۱ و وقتی هم کار تمام شد، فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ...»^۲

با دقت در آیات بالا جایگاه و مقام امامت روشن می گردد. لسان خدای تبارک و تعالی در آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ...»

از مجموع آیات و روایات بیان شده تا کنون می توان این نتیجه را بیان کرد که خداوند متعال به اسلام با ولایت حضرت علی (علیه السلام) رضایت داده است و نیز دین با ولایت او کامل و نعمت با ولایت او تمام خواهد شد. و این مطلب با امامت و سرپرستی حضرت علی (علیه السلام) سازگاری دارد. و لذا مطابق برخی از روایات، بعد از نزول آیه اکمال و قبل از پراکنده شدن مردم پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «اللَّهُ أَكْبَرُ بِرِ اكْمَالِ دِينِ وَ اِتْمَامِ نِعْمَتِ وَ رِضَايَةِ پروردگار از رسالتم و ولایت علی پس از من!»^۳

در دعاهایی که در روز عید غدیر در کتب دعایی همچون اقبال سید ابن طاووس وارد شده مضامینی همچون: «مولا»، «امام المؤمنین»، «الصراط المستقیم» و... در مورد

۱. سوره مائده: ۶۷.

۲. سوره مائده: ۳.

۳. نفس نفیس خاتمیت، ۲۲۶-۲۲۷.

۴. تاریخ سیاسی صدر اسلام / ترجمه کتاب سلیم؛ ص ۱۹۸.





حضرت علی علیه السلام به کار رفته است و در این ادعیه ائمه خداوند را به خاطر هدایت شدن و تمام شدن نعمت و کامل شدن دین، قرار گرفتن حضرت به عنوان نشانه ای از نشانه های بزرگ خداوند شکر و سپاس گفته و از خداوند خواسته اند کسانی که حق این روز و حرمت آن را انکار می کنند و در نتیجه با خاموش ساختن نور حضرت علی علیه السلام در صدد بستن راه ایشان هستند را لعنت نماید و از کار اهل بیت پیامبر گره گشایی کند و اندوه آنان و اندوه مؤمنان را به وسیله آنان برطرف سازد و زمین را به وجود ایشان از عدل و داد پر نماید و به وعده ای که به آنان داده عمل نماید چرا که خداوند هرگز خلف وعده نمی کند.

نتیجه: نتایج آن که دعا های آل محمد علیهم السلام همانند قرآن مجید، در بردارنده

اصول اسلامی و معارفی است که موجب تکامل نفوس و استواری عقاید و فزونی صفات پسندیده می باشد. در این ادعیه با استشهاد به آیات قرآنی جایگاه ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام به همراه بیان داستان غدیر خم مسلمان را به پیروی از ایشان و امامان بعد از ایشان رهنمون می دارد و ائمه در دعاهایشان هر مقصد و مطلوبی را یکی می دانند و هر توسلی را تنها به او و هر پناهگاهی را محصور به او می بینند. هیچ کس نیست که این ادعیه را بخواند و غیر خدا را بشناسد و یا از غیر او مسئلت کند و یا چشم امیدی به غیر او داشته باشد زیرا در این دعاها به خوبی در می یابد که با غیر خدا بودن و از غیر خدا چیزی خواستن جز ناامیدی، بی بهره گی و ناکامی و سست آرمانی نصیبی نخواهد داشت و با این اعتقاد خط بطلان بر همه عقاید پوچ و انحرافی که در زمینه ولایت ایجاد گشته می کشند.





«فهرست منابع»

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- صحیفه سجادیه.

الف. کتابها

- آداب الصلاة، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵.
- اقبال الاعمال، سید ابن طاوس، ترجمه محمد روحی، قم، سماء، ۱۳۸۳ ش.
- الامالی، شیخ صدوق، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۰۰ ق.
- بحارالانوار الجامعه لِذُرِّ اَخبارِ الائمه الاطهار، علامه مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- تاریخ سیاسی صدر اسلام، ترجمه کتاب سلیم بن قیس، محمود رضا افتخارزاده، تهران، رسالت قلم، ۱۳۷۷ ش.
- التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- تفسیر سوره حمد، امام خمینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
- تفسیر نور الثقلین، عروسی الحویزی، به کوشش سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ ش.
- التوحید، شیخ صدوق، به کوشش سید هاشم حسینی تهرانی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۸۹ ق.
- جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، محمد حسین نجفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، محمد مهدی موسوی خلخالی، انتشارات جامعه المدرسین، قم.
- الخرائج و الجرائح، قطب راوندی، قم، موسسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
- دیوان محمد بن حسام الدین خوسفی، به کوشش احمد احمدی بیرجندی، مشهد، اداره کل اوقاف، ۱۳۶۶ ش.
- الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.





- الذریعة الى تصانیف الشیعة: آقا بزرگ تهرانی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشانیپور، ۱۳۹۶ق.
- سر الصلاة، امام خمینی، تهران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ش.
- سفر عشق، سیری گذرا بر اندیشه فلسفی و عرفانی امام خمینی، سید عباس حسینی قائم مقامی، تهران، فکر برتر، ۱۳۷۸ش.
- الصحیفة المبارکة المهدیة، سید مرتضی مجتهدی، قم، حاذق، ۱۳۸۳ش.
- عدة الداعی و نجاح الساعی، ابن فهد حلّی، تحقیق احمد موحدی قمی، قم، مکتبه وجدانی، ۱۴۰۷ق.
- علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه، قم، داوری، ۱۳۸۵ش.
- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- الفهرست، شیخ طوسی، به کوشش جواد قیومی، قم، الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- فتح الابواب، علی بن موسی بن طاووس، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۹ق.
- قاموس قرآن، علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- الکافی، شیخ کلینی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
- لطائف حکمت و عرفان در روابط خدا و انسان، غلام حسین رضائزاد، تهران، الزهراء، ۱۳۸۱ش.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ش.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳.
- مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸ق.
- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، شیخ طوسی، بیروت، موسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.
- معارف و احکام جوانان، حسینعلی منتظری، قم، سراپی.
- مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، ترجمه علی بن طیفور بسطامی، تهران، حکمت، ۱۳۸۷ش.
- مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، به کوشش صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- المقنعة، محمد بن محمد بن نعمان، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- مکارم الاخلاق، فضل بن حسن طبرسی، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق.





- الميزان في تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبائي، بيروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۳ق.
- نفس نفیس خاتمیّت، برگرفته از بیانات حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی، باقر العلوم، ۱۳۹۰ش.
- النهایة فی قریب الحدیث و الاثر، ابن اثیر، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
- وسائل الشیعة (تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه)، شیخ حر العاملی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۲ق.

ب: نشریات

- بررسی صدور ادعیه ماه رمضان بر اساس مصباح المتہجد، مهدی مہریزی و مریم ایمانی جو، مجله سفینه، ۱۳۹۱، ش ۳۷.
- پژوهشی پیرامون مصنفات شیخ طوسی، محمد ادیبی مهر، مجله پژوهش دینی، زمستان ۱۳۸۴، ش ۱۲.
- شخصیت علمی شیخ طوسی، ترجمه مریم کربلایی عباس، مجله حدیث اندیشه، زمستان ۱۳۸۴.
- مصادر زندگانی شیخ طوسی، ناصرالدین انصاری قمی، مجله نور علم، اسفند ۱۳۶۸، ش ۳۴.

